

در حاشیهٔ رویدادها

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در بند ۲ زندان اوین

زندانیان سیاسی بند ۲ زندان اوین، از اوائل هفته دوم فروردین ماه دست‌بدا اعتصاب غذای تر زده‌اند. این اعتصاب غذا که برای چندمین بار انجام میگردد، اینبار در اعتراض به حضور ساواک‌ها و عوامل رژیم منحور بهلوی در بند مذکور، از روز یکشنبه ۹ فروردین بدشمال حمله پاسداران به زندانیان و ضرب و شتم آنان آغاز شد. بهنگام نگارش این گزارش حال سه نفر از اعتصابیون بعد از اینکه در خارج از بند توسط پاسداران مضروب شدند، بشدت وخیم شده است.

روز یکشنبه ۱۶ فروردین، در نتیجه گسترش دامنه اعتراض، کجوشی رئیس زندان به ناچار ۵ تن از والدین زندانیان (۴ زن و یک مرد) را به نمایندگی از طرف سایرین برای مذاکره به داخل زندان میبرد و با یک زن و یک مرد به مدت دو ساعت به گفتگو میپردازد و به آنها اجازه بازدید از سردان نیز میدهد. ولی از نتیجه دقیق گفتگو و مذاکره هنوز اطلاعی در دست نیست.

در این میان کجوشی نیز برای جلوگیری از گسترش مسئله دست‌به‌تعلیقات زده و روز شنبه ۱۵ فروردین، بعد از مدت‌ها و ظاهراً بدون علت، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد. وی در این مصاحبه مطبوعاتی سعی کرد طبق معمول تصویر بی‌عیب و نقصی از اوضاع داخل زندان به خوانندگان و شنوندگان القا کند و برای

بقیه در صفحه ۲۳

یکی از مهمترین خواسته‌هایی که در سطح وسیع در تمام قطعات مه‌ها و شعارهای مبارزاتی زوده‌های مردم علیه رژیم فاشیستی شاه طرح و تبلیغ میشد، خواست آزادی زندانیان سیاسی بود.

بعد از سرنگونی رژیم شاه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بدست پرتوان نوده‌ها و کشف شکنجه‌گاه‌ها و و باز شدن شدن در سلولهای زندانهای قرون وسطائی، تصور مبرفت (یا لاف‌اف این توهنم برای بسیاری وجود داشت) که در این کشور دیگر مقولدهای بنام زندانی سیاسی وجود نخواهد داشت. غافل از اینکه حکام جدید از همان فردای پیروزی بر رژیم سلطنتی تلاش بیگانه خود برای نجات سرمایه‌داری ایران از زیر ضربات جنبش زوده‌ای را آغاز خواهند کرد. حمله به کارگران، زنان و نیروهای انقلابی و کشتار و دستگیری آنان آغاز شد. و زندانیان همان زندانیانی که عاری از مهر ساخته بودت انقلابیون و پیگیرترین دشمنان کمونیست‌ها را در آنها به بند بکشند، ارنه بحق جمهوری اسلامی شد. زندانیان باز از پرشورترین بن فرزندان میهن پرگردید، با آنها ماتی که فقط در بیان با آنها مات زمان رژیم منفور بهلوی تفاوت داشتند. فعالیت علیه رژیم سلطنتی به اقدام علیه جمهوری اسلامی تغییر نام یافت و بدینگونه تفاوت‌های ظاهری بین رژیم شاهنشاهی و رژیم جمهوری اسلامی بکناری نهاده شد و نقاط اشتراک آنها هرروز عیان تر گردید. هنوز چند صباحی پیش از سرنگونی رژیم شاه گذشته، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بار دیگر به یکی از شعارهای رژیم دموکراتیک تبدیل شد، مبارزه علیه شکنجه اوج گرفت، تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان و درگیری با مامورین زندان و پاسداران حافظ سرمایه از سر گرفته شد. از جانب دیگر رژیم جمهوری اسلامی نیز مانند سلف خود در عین شکنجه، شلاق، سوزاندن با سیگار کشتار زندانیان سیاسی، به دروغ متوسل شد و "امام امت" ادعا کرد "کسانی خودشان را داغ میکنند تا گردن شما بگذارند". آری طبیعی ترین چیز در این گونه رژیمها اینست که برای دفاع از موجودیت خود به بزرگترین دروغها متوسل شوند.

هفته‌نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی



افزایش تاثیر گفته‌هاش از زندانیان طرفدار
" فدائیان خلق " (اکثریت) نیز نقل قول
آورد!

اینهمه در شرایطی است که زندانیان سیاسی
علاوه بر بسیاری مشکلات و تضییقات دیگر، از
ناصین جانی هم برخوردار نیستند و هر لحظه
امکان تکرار جنایاتی مانند ترور وحشیانه
نو ماچ و رفقایش و چهار تکمیر فدائی قلعه میان
دو آب وجود دارد. از زندان اوین گزارش
رسیده است که قبل از تحویل سال نو زندانیان
بر اثر شنیدن صدای تیر اندازی تصور اینکه
سال تحویل شده، آنها جشن گرفتند ولی بعد
معلوم شد که تیر اندازی از جانب یکی
از پاسداران بطرف زندانیان انجام گرفته
است.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که وسیع-
ترین مبارزات و اعتراضات برای آزادی زندانیان
سیاسی سازماندهی شود. شعار " زندانیان
سیاسی آزاد باید گردد " باید یکبار دیگر
به یکی از اساسی ترین خواسته‌های دموکراتیک
مبدل شود و تمام سازمانهای سیاسی مترقی
و انقلابی باید این شعار را در دستور
کار خود قرار دهند و مبارزه‌ای گسترده بمنظور
تحقق آنرا سازمان دهند.

